



بسم الله الرحمن الرحيم

و الحمد لله رب العالمين و الصلّاة و السّلام على سيّدنا و نبينا ابي القاسم المصطفى محمّد و على آله الاطيبين  
الاطهرين المنتجبين سيّما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید. شروع این جور مجالس با خودمان است، ختمش با خدا است. ( ۲ ) امروز خیلی جلسه‌ی خوبی بود؛ جدّاً، حقّاً، بهره‌مند شدیم. انوار و فیوضات وجود مبارک فاطمه‌ی زهرا، سیّدّة النساء، صدیقه‌ی کبری ( سلام الله علیها)، فضا را انباشته؛ خدا را شکر! محبت و ارادت و شوق دل‌های پاک شما به امّ الائمه التّجباء قطعاً تأثیرات بنیانی خواهد داشت در همه‌ی اموری که در پیش داریم در زندگی‌مان؛ در امور شخصی، در امور عمومی، در آینده‌ی این کشور. من در جمع شما مدّاحان اهل بیت ( علیهم السلام ) که حقیقتاً مفتخرید به اینکه مدّاح این بزرگواران هستید - که «مدّاح خورشید مدّاح خود است» ( ۳ ) - مایلم اولاً یادآوری کنم افتخار بزرگ شما را؛ افتخار کنید به این خصوصیت و سعی کنید همه‌ی شما شرایط مدّاحی این انوار مقدّسه را هر چه بیشتر تأمین کنید، هم در خودتان، هم در مستمعینتان.

امروز، من فقط چند جمله در مورد مسئله‌ی مدّاحی می‌خواهم عرض بکنم. مدّاحی میراث ما است، میراث شیعه است. بله، معلوم نیست که کمیت و دعبل و سیّد حمیری مثلاً با آهنگ می‌خواندند [یا نه]، امّا شعر می‌گفتند، شعر می‌خواندند، معارف اهل بیت را منتشر می‌کردند. شما آمده‌اید این را تبدیل کرده‌اید به یک هنر مرکب. مدّاحی، امروز، یک هنر ترکیبی است. «هنر است» یعنی زیبایی است؛ هنر، زیبایی است دیگر؛ هم زیبایی است، هم زیباسازی است. شما چند هنر را با هم جمع کرده‌اید که مجموع اینها میشود مدّاحی. صدای خوش؛ این اوّل. بعد، شعر خوب، از لحاظ شعری؛ این دو. بعد، آهنگ خوب؛ این سه. البته هر کدام از اینها یک خصوصیتی، شرایطی، حدودی دارد که بعضی از آنها را عرض می‌کنم. بعد، مضمون خوب، محتوای خوب؛ چون شعر خوب یک مسئله است، محتوای خوب یک مسئله‌ی دیگر است. ممکن است یک شعری خیلی خوب باشد، امّا محتوای آن چنان برجسته‌ای نداشته باشد یا محتوای درستی نداشته باشد؛ یعنی در محتوا اشکال باشد. ما در شعرهای بسیار خوبمان از این جور شعرها داریم که شعر خوب است، امّا محتوا بی‌اشکال نیست. من یک شعری را از صائب یادداشت کرده بودم که بخوانم؛ می‌گوید:

نسازد لن ترانی چون کلیم از طور مأیوسم

نمک‌پرورده‌ی عشقم زبان ناز میدانم

وقتی که به حضرت موسی فرمودند «لن ترانی»، ( ۴ ) خب دیگر رها کرد؛ این می‌گوید من مأیوس نمیشوم. قشنگ بود، ولی غلط بود؛ یعنی خدای متعال، ذات اقدس الهی ( جلّ جلاله )، ناز کرده گفته «لن ترانی!» نه، «لن ترانی»، «لن ترانی» است دیگر؛ در کلام خدا مبالغه وجود ندارد. خب شعر به این قشنگی است، امّا مضمون، مضمون نادرست. پس ما اینجا دو چیز داریم: یک شعر خوب، یک مضمون خوب و محتوای خوب که همه‌ی اینها را شما باید در نظر بگیرید.

البته به نظرم الان چهل سال است که این جلسه تشکیل میشود؛ امروز که من نگاه می‌کنم، نسبت به سال‌های قبل، از لحاظ نوع مدّاحی و شعری که خوانده میشود، کاری که انجام می‌گیرد خیلی پیشرفته‌تر و بهتر است؛ در این شکی نیست، امّا می‌خواهم عرض بکنم که به اینها باید توجّه کنید. خب این شد یک هنر مرکب؛ کار شما یک هنر مرکب



است، هنر هم که زیبایی است. این را ما از متون دینی مان داریم؛ متون دینی ما یعنی قرآن، نهج البلاغه، صحیفه‌ی سجّادیّه و بسیاری از دعاها. درباره‌ی قرآن فرمود «ظاهره اُنّیق»؛ «اُنّیق» به معنای زیبا نیست، به معنای زیبایی شگفت‌آور است. ظاهره اُنّیق؛ قرآن این‌جوری است، از لحاظ زیبایی و هنر نظیر ندارد. تقریباً بهترین اشعار عرب، شیرین‌ترین، زیباترین و فصیح‌ترین شعر عرب مال دوره‌ی جاهلی و مخضرمین (۵) است؛ اینها در زمان نزول قرآن بودند، زنده بودند، [اما] هیچ کدام نتوانستند یک ذره ایراد بگیرند یا بگویند ما هم میتوانیم مثل این را بگوییم. قرآن چند بار گفته «فأتوا بسورةٍ من مثله»؛ (۶) یک آیه‌اش را هم نتوانستند بیاورند. نهج البلاغه در نهایت فخامت و استحکام و زیبایی است؛ صحیفه‌ی سجّادیّه همین‌طور؛ دعای ابوحمزه‌ی ثمالی، دعای روز عرفه‌ی امام حسین و دعا‌های گوناگون، در نهایت زیبایی است؛ این هنر شما دنباله‌ی آن هنر است. جامع بودن این هنر به این است که همه‌ی بخش‌هایش زیبا باشد؛ فقط زیبایی ظاهری کافی نیست، محتوا هم بایستی زیبا باشد، همچنان که فرمود «ظاهره اُنّیق و باطنه عمیق»؛ (۷) باطن قرآن عمیق و پُر از محتوا است. حالا ما از خودمان، از شماها، توقع نداریم که یک چنین جرئتی به خودمان بدهیم، مثلاً فرض کنید بگوییم ما هم میتوانیم؛ نه، این شیوه‌ی کار است؛ یعنی ظاهر، زیبا و باطن، پُر محتوا و محکم.

آهنگ هم همین‌جور است؛ من مخصوصاً بنا داشتم، یعنی در یادم نگه داشتم که این را به شما مدّاح‌های عزیز بگویم. آهنگ مفهوم دارد، معنا منتقل میکند؛ یعنی شما اگر چنانچه یک آهنگی را اجرا کنید که لفظ هم نداشته باشد – مثلاً بعضی‌ها با حنجره‌شان آهنگ تولید میکنند یا بعضی با این وسایل و سازها آهنگ ایجاد میکنند – زبان ندارد، اما معنا دارد، معنایی را منتقل میکند؛ آهنگ این‌جوری است. یک آهنگ هست که شجاعت را القا میکند؛ این آهنگی که ایشان (۸) میخواند «ای لشکر صاحب‌زمان آماده باش، آماده باش»، اگر این کلمه را هم نخوانند، این لحن، لحن آماده‌سازی است. یک آهنگ هست که افسردگی می‌آورد، افسرده میکند انسان را، مأیوس میکند انسان را؛ اینها فرق میکند. یک آهنگ هست که انسان را به گناه میکشاند؛ خیلی از آهنگها که قبلاً اینها را در ترانه‌های مربوط به دستگاه‌های موسیقی تنظیم کرده بودند، از این قبیل است. این دستگاه‌های موسیقی معروف، هر کدام یک ترانه‌ای قبلش دارد که این آهنگ، ترانه را القا میکند به آن خواننده؛ این ترانه‌ها اغلب، ترانه‌های نامناسب است. مواظب باشیم شعری که میخوانیم، آهنگی که میخوانیم، مدّاحی‌ای که میکنیم – چه آنجایی که مصیبت میخوانیم، چه آنجایی که سینه میزنیم، چه آنجایی که مدح میخوانیم – با اینها مخلوط نشود؛ این نکته‌ی مهمی است؛ من اصرار دارم به این توجّه کنید.

پس بنابراین، محتوا باید خوب باشد، کالبد شعر هم باید خوب باشد. قواره‌ی شعر، کالبد شعر، ظاهر شعر باید خوب باشد؛ این، سطح فکر مخاطب را بالا میبرد. اگر بهترین مضامین را شما در یک شعر سست بریزید و ارائه کنید، تأثیرش خیلی کاهش پیدا میکند. ذهن مخاطب را عادت بدهید به اینکه با ادبیّات فاخر انس پیدا کند؛ این به رشد فکری جامعه کمک میکند. من چند سال قبل از این، در همین جلسه اشاره کردم به بعضی از غزل‌های صائب (۹) که غزل‌های عشقی نیست، غزل‌های حکمتی است، پُر از حکمت است، شعر هم در نهایت استحکام و زیبایی است؛ [خوب است] اینها را آدم پیدا کند بخواند. الحمدلله حالا بعضی از شعرا شعرهای خیلی خوبی میگویند در این زمینه.

در مدّاحی، علاوه بر معرفت‌آموزی، احساس‌برانگیزی هم هست؛ این هم نکته‌ی مهمی است. [مدّاحی] معرفت‌آموزی دارد؛ یعنی شما با شعری که میخوانید درس میدهید. خیلی از چیزها را ما پای مدیحه‌خوانی مدّاحان یاد میگیریم که خودمان آنها را قبلاً به زبان عادی بارها گفته‌ایم به دیگران، حالا که مدّاح با صدای خوش و با آهنگ خوب همان مضمون را میخواند، ما یک چیز تازه‌ای کأته می‌شنویم و میفهمیم و یاد میگیریم. معرفت‌آموزی دارد، البته در امتداد منبر؛ مدّاحی منبر نیست؛ یک طبیعت دیگر است، یک حقیقت دیگر است. هم این است، هم احساس‌برانگیزی است. این مسئله‌ی احساس را نباید دست‌کم گرفت. خصوصیت ما شیعیان این است که در تعالیم ما و معرفت‌آموزی



ما، از اوّل تا آخر، احساس وجود دارد، انباشته‌ی از احساس است؛ دیگران کمتر دارند. ذکر مصیبت‌مان احساس است، مدح‌خوانی‌مان احساس است، دعايمان احساس است، زیارت‌مان احساس است؛ احساسات را برانگیخته میکنند. البته احساس اگر بدون تعقل باشد، فایده ندارد. حُسن کار معرفت‌آموزی متون شیعی این است که در کنار برانگیختن احساس، عمق معرفتی را هم به انسان اهدا میکند؛ این خصوصیتی است که در غیر شیعه من ندیده‌ام؛ یعنی تا آنجا که من اطلاع دارم، ندیده‌ام. البته هر کدام از این ادیان مختلف و مذاهب مختلف – اسلامی و غیر اسلامی – یک چیزهایی دارند، اما آن اوج متعلق به شیعه است. من یک وقتی دعا‌های رایج بین غیر شیعه را از مسلمین نگاه میکردم – که در یکی از کتابهای زمخشری مفصل ذکر کرده دعاها را – دیدم اگر ما مثلاً فرض کنید ده سطر از دعاى عرفه‌ی امام حسین را یا دعاى چهل و هفتم صحیفه‌ی سجّادیه را بغل اینها بگذاریم، ده سطر آنها از همه‌ی اینها بیشتر مطلب دارد، بیشتر روح دارد.

خب، همین حالت احساس در معرکه‌های حسّاس کشور به داد کشور رسید؛ یکی‌اش دفاع مقدّس. در دفاع مقدّس، این مدّاح‌ها بودند، این شعرگوها بودند، این شاعرهای خوب بودند که واقعاً توانستند فضا را آماده کنند برای آن حماسه‌ی بزرگ. من این بیت شعر را بارها در مورد همین مسئله تکرار کرده‌ام:

عشّاق را به تیغ زبان گرم میکنیم

چون شمع، تازیانه‌ی پروانه‌ایم ما (۱۰)

وصف حال شما است: «چون شمع، تازیانه‌ی پروانه‌ایم». در مراسم اعزام بسیجی‌ها و دیگران به جبهه، در شبهای عملیات، در صبحگاه‌های نظامی، در تشییع پیکر شهدا، در مراسم ختم شهدا، در مسجد، در حسینیه، در میدان جنگ، همه جا مدّاحی نقش بزرگ خودش را ایفا میکرد، دل‌ها را آماده میکرد، فضا را معنوی میکرد. آن نورانیّت که در منطقه‌ی دفاع مقدّس ما حضور داشت – که در هیچ جای دنیا و در هیچ وقت تاریخ، جز در صدر اسلام، سابقه ندارد – بخش عمده‌ای از آن مربوط به همین مدّاحی‌ها بود، بخشی هم مربوط به بعضی از عوامل دیگر. در سال‌های بعد از جنگ هم تا امروز همین جور؛ مدّاحی نقش‌آفرینی کرده؛ در قضایای گوناگون، در فتنه‌ی ۸۸، در نهم دی، در موارد گوناگون، مدّاحی نقش ایفا کرده.

اینکه من تکرار میکنم، برای شما تکرار میکنم؛ برای اینکه شما به عنوان مدّاح بدانید کجا ایستاده‌اید، بدانید چه کار میکنید و چه کار میتوانید بکنید؛ مقصودم این است. الحمدلله عده هم زیاد است. اوایل که ما این جلسه را تشکیل میدادیم، با صد نفر یا دویست نفر این جلسه تشکیل میشد؛ امروز هزاران نفر در سراسر کشور، با تسلّط بر شگردهای گوناگون جذب مخاطب، مشغول کار مدّاحی‌اند. خب این یک پدیده‌ای است در کشور، این چیز کوچکی نیست؛ از این باید استفاده کرد. چه کسی استفاده کند؟ مقصود استفاده‌ی مسئولین دولتی و زید و عمرو و بنده‌ی حقیر و دیگری نیست؛ مقصود استفاده‌ی کشور، استفاده‌ی نظام، استفاده‌ی انقلاب است. انقلاب باید استفاده کند؛ انقلاب محتاج پیشرفت است، محتاج تحوّل روزه‌روز است. شما میتوانید در این زمینه نقش ایفا کنید؛ حرف من این است. شما باید مبارزه‌ی با طاغوت را، مبارزه‌ی با ظالم را، مبارزه‌ی با استکبار را، مبارزه‌ی با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور میدهیم، نصیحت میکنیم، استدلال میکنیم، منطق می‌آوریم، اثر نمیکند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما میتوانید بکنید. یک جا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یک جا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یک جا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا‌سازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه میتوانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند اینها خیلی بیشتر است. میتوانید فضا به وجود بیاورید، میتوانید بصیرت‌دهی کنید، میتوانید امیددهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی



است. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه‌ی وجودی کشور، یعنی جوانان که آنها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مایوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمل کنید، امیددهی کنید؛ شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خب شرط دارد.

اگر بخواهید این توفیقات نصیب شما بشود، شرط لازم و اولّش این است که دغدغه‌ی هدایت مردم را داشته باشید. دغدغه‌ی مدّاح این باشد که مخاطب خودش را می‌خواهد هدایت کند، [نه] پول و شهرت و جایگاه اجتماعی و مانند اینها؛ حالا نمی‌گویم بکلی – ماها آن جوری نیستیم، آدمهای ضعیفی هستیم، بکلی نمی‌توانیم خودمان را برکنار کنیم – اما [آنها] تحت‌الشّعاع باشد؛ دغدغه‌ی اصلی، هدایت مردم باشد. شما وقتی که شعر را حفظ می‌کنید یا روی کاغذ مینویسید که بخوانید، وقتی دعوت مجلس را قبول می‌کنید، وقتی می‌روید روی منبر می‌نشینید، همه‌ی فکرتان این باشد که می‌خواهید مخاطب را هدایت کنید؛ این شرط اولّ است.

شرط دوّم معرفت‌اندوزی است.

ذات نیافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی‌بخش (۱۱)

اگر خود انسان مبانی معرفتی مستحکمی در درون نداشته باشد، بعید است که بتواند در دیگران معرفت ایجاد کند. خودمان را [تقویت کنیم]. شماها جوانید، شماها باحوصله‌اید، شماها وقت دارید؛ مطالعه کنید، کتاب بخوانید؛ هم کتاب شعر، هم کتاب نثر؛ کتابهای شهید مطهری را بخوانید، کتابهای اخلاق را بخوانید، کتابهای حدیث را بخوانید، تفسیر بخوانید. ما تفسیرهای خوبی داریم؛ اگر به عربی هم مسلط نیستید، تفسیرهای فارسی خیلی خوبی امروز در دسترس همه هست.

یک شرط دیگر این است که به‌روز باشید. شرایط جهانی روزبه‌روز دارد تغییر پیدا میکند. به‌روز باشید، [تحلیل] حوادث را در حیطه‌ی ذهن خودتان و در حیطه‌ی فکر خودتان حاضر و موجود داشته باشید. عزیزان من! ما امروز یا مواجه با یک پیچ تاریخی مهم هستیم یا در دل یک پیچ تاریخی مهم داریم حرکت می‌کنیم؛ این دوّمی شاید درست‌تر باشد. دنیا دارد تغییر میکند، [آن هم] تغییرات اساسی؛ تغییرات اساسی و بزرگ را نمیشود در ظرف یک هفته و یک ماه و یک سال فهمید؛ اینها بتدریج انجام می‌گیرد. باید مسلط باشید ببینید در دنیا چه دارد اتفاق می‌افتد، در کشور چه اتفاقی دارد می‌افتد.

الان [مثلاً] همین قضایای اخیر؛ من یک جمله درباره‌ی این قضایای اخیر بگویم. در این قضایای اخیر، نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود، [اما] محاسبه‌ی دشمن محاسبه‌ی غلطی بود؛ این مهم است. نقشه‌ی دشمن نقص نداشت، منتها محاسبه‌ی دشمن برای پیاده کردن این نقشه محاسبه‌ی غلطی بود. اینکه می‌گوییم «نقشه‌ی دشمن نقشه‌ی جامعی بود»، یعنی همه‌ی عوامل مسلطی را که یک قدرت میتواند برای اخلاص و تخریب در یک کشوری به کار ببرد به کار انداخت، همه‌ی این عوامل را ردیف کرد. عامل اقتصادی وجود داشت که البته وضعیت اقتصادی کشور هم خوب نبود، خوب نیست و مشکل معیشت مردم زمینه‌ای بود که آنها بتوانند از این عامل استفاده کنند. عامل امنیتی، نفوذ، تیم‌های جاسوسی از همه طرف. غوغای ایران‌هراسی در دنیا؛ از چند ماه قبل، تبلیغات ایران‌هراسی به شکلهای مختلف به وسیله‌ی دستگاه‌های تبلیغاتی دشمن، آمریکا و صهیونیسم و کلاً استکبار جهانی شروع شد؛ این هم یک عامل تخریب است. همراه کردن بعضی عناصر داخلی با خودشان؛ این هم از مدتی پیش شروع شد که این هم یک عامل مهمی است. یک کسی را در کشور با انگیزه‌های مختلف، انگیزه‌ی قومی، انگیزه‌ی مذهبی، انگیزه‌ی سیاسی، انگیزه‌های شخصی [که مثلاً] چرا به سلام من درست جواب ندادید، چرا من را فلان جا نگذاشتید [فریب بدهند]، از اینها استفاده کنند، اینها را آماده کنند برای همراهی. عامل تبلیغات فراگیر؛ تلویزیون‌ها،



ماهواره‌ها، فضای مجازی، اینترنت. اینها عواملی است که دشمن همه‌ی اینها را ردیف کرد. بنده به عنوان یک آدمی که این مسائل را نگاه میکنم و زیر نظر دارم و میفهمم، در دلم به مهندسی خوب دشمن آفرین گفتم! خوب مهندسی کرده بود؛ همه چیز را در جای خود، به اندازه‌ی خود، آماده کرده بود. چرا موفق نشد؟ چون یک پایهی دیگر، یعنی محاسبه‌اش، غلط بود. بله، این کارها همه کارهای مهمی است، کارهای مؤثری است، در یک کشورهایی هم اثر میگذارد، [اما] اینجا نتوانست؛ چون محاسبه‌ای که روی ایران اسلامی کرده بود محاسبه‌ی درستی نبود. من دو سه مورد از غلط بودن محاسبه‌ی دشمن را میگویم، قبلاً هم در صحبتها اجمالاً به بعضی از آنها اشاره کرده‌ام. (۱۲)

خیال میکرد ملت ایران به خاطر مشکلات اقتصادی – که وجود دارد – با نقشه‌ی براندازی و تجزیه‌طلبی دشمن همراهی خواهد کرد؛ این یک محاسبه است که غلط بود. خیال میکرد با فحش و بددهنی و اهانت‌های گوناگون میتوانند مسئولین کشور را از میدان خارج کنند، منفعل کند. وقتی یک خرده بدگویی شد، هتاک‌ی شد، بعضی‌ها منفعل میشوند دیگر. محاسبه‌ی غلطی بود. خیال کردند با وسوسه‌ها و هیاهوها میتوانند مسئولان سطح بالای کشور را دچار اختلاف نظر کنند؛ یکی بگویند این کار را نکنیم، یکی بگویند نکنیم، بینشان اختلاف بیفتد؛ این مشکلی که الان در خود آمریکا هست، در رژیم صهیونیستی هست، در بعضی از کشورهای دیگر هست که این اختلافات نمیگذارد کارهای بزرگ را انجام بدهند؛ خیال میکردند میتوانند این اختلاف را ایجاد کنند. محاسبه کرده بودند، [اما] محاسبه‌ی غلطی بود. خیال میکردند میتوانند با دلارهای نفتی فلان کشور مزدور آمریکا اراده‌ی جمهوری اسلامی را تحت تأثیر قرار بدهند. اشتباه کردند؛ اراده‌ی قوی جمهوری اسلامی از همه‌ی این عوامل قدرت آنها قوی‌تر بود، عزمشان راسخ‌تر بود؛ محاسبه‌ی آنها محاسبه‌ی غلطی بود. خیال میکردند با اینکه چند عنصر خودفروخته را تشویق کنند که بروند پناهنده بشوند به این کشور یا به آن کشور و علیه کشور خودشان لجن‌پراکنی کنند، این موجب میشود جوانهای ما ناامید بشوند؛ اشتباه کردند؛ رفتند پناهنده شدند، لجن‌پراکنی هم کردند، کسی به آنها اعتنائی نکرد. این محاسبات دشمن بود، محاسبات غلطی بود. چهل سال است که دشمن، با انواع طرق، علیه نظام جمهوری اسلامی تلاش میکند و چون محاسباتش غلط بوده و غلط است، تا حالا شکست خورده، در این قضیه هم شکست خورد، در آینده هم هر وقت اقدام کند شکست خواهد خورد.

خب، این درباره‌ی دشمن؛ اما ما هم خودمان حواسمان باشد! ما هم مغرور نشویم، ما هم غفلت نکنیم، غافل نشویم بگوییم خب قضایا تمام شد، از میدان عقب نرویم، در میدان باشیم. ما هم بدانیم آن چیزی که ملت را نگه میدارد امید است و وحدت؛ اتحاد میان آحاد مردم. بله، سلايق مختلفی وجود دارد، اختلافات نظر در مسائل گوناگون وجود دارد، اما درباره‌ی اسلام، درباره‌ی نظام، درباره‌ی انقلاب، وحدت نظر بین مردم هست؛ نگذاریم این وحدت نظر از بین برود. به اختلافات کمک نکنیم؛ اختلافات قومی، اختلافات مذهبی، تحریک احساسات یک گروهی علیه یک گروه دیگر. هر کس در زمینه‌ی خدشه‌ی به اتحاد ملت حرکتی انجام بدهد برای دشمن کار کرده، در نقشه‌ی دشمن کار کرده، در زمین دشمن بازی کرده؛ این را همه توجّه داشته باشند! منبری باشد، مدّاح باشد، روحانی باشد، دانشگاهی باشد، نویسنده باشد، شاعر باشد؛ هر کسی باشد. دشمن را دست‌کم نگیریم؛ دشمن هست. آن روزی که شما آن قدر قوی بشوید که دشمن مأیوس بشود، آن روز میتوانید یک آسودگی و آسایش خاطری پیدا کنید. باید سعی کنیم قوی بشویم؛ این تأکید و تکرار و اصرار این حقیر برای اینکه کشور باید قوی بشود به خاطر این است. باید دشمن را مأیوس کرد. بحمدالله ملت با معنویت، با کمک الهی، با هدایت الهی، در خدمت انقلابند، پشت سر انقلابند، پشت سر نظامند، کمک میکنند. عوامل خوبی داریم، نهادهای مؤثر و بسیار مفیدی داریم، روزه‌روز رشحات انقلاب در خارج از مرزهای کشور بیشتر بروز میکند.

یک نکته‌ای که می‌خواستم بگویم و حالا یادام آمد، مسئله‌ی آمیختن مدّاحی با سرود است که اخیراً این کار باب شده و کار خیلی خوبی است. سرودهای خوبی گفته میشود. همین سرود «[سلام] فرمانده» سرود خوبی بود. دیدید جاهای





دیگر این سرود را ترجمه کردند، بازخوانی کردند؛ در بعضی از کشورها – که البته خبرهایش منعکس نشد، اما ما اطلاع پیدا کردیم – همان [چیزی را] که بچه‌ها اینجا خوانده بودند، با همان زبان فارسی در کشورشان تکرار میکردند، در حالی که زبان فارسی را هم بلد نبودند اما همان را تکرار میکردند. اینها عواملی است که میتواند به اقتدار این کشور کمک کند.

البته شما وقتی وارد این میدان شدید – که همه هم بحمدالله وارد این میدان هستید – یک عده‌ای به شما ارادت پیدا میکنند، اما یک عده‌ای هم با شما دشمن میشوند. استکبار با شما دشمن میشود، عوامل استکبار با شما دشمن میشوند، علیه شما کارشکنی میکنند، علیه شما اقدام میکنند؛ خوب بکنند؛ این دشمنی یک چیزی است که وجود دارد. آن چیزی که جوهر شما را نشان میدهد و میتواند تکلیف نهایی را فراهم کند ایستادگی شما است، استقامت شما است، توکل شما است. گفت:

گرم است به هم پشت رقیبان پی قتلیم

ای عشق دل افروز دل من به تو گرم است (۱۳)

خب، ظهر شد دیگر؛ ان شاءالله که خداوند همه‌ی شماها را موفق بدارد. حتماً دعایتان میکنم؛ شما هم ما را دعا کنید. (۱۴)

پروردگارا! به محمد و آل محمد، برکات خودت را به برکت نام مبارک زهرای مرضیه بر این جمع و بر این ملت نازل بفرما.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، شماری از مداحان به ذکر فضائل و مناقب حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) پرداختند.

(۲) خنده‌ی حضار

(۳) مولوی. مثنوی معنوی، دفتر پنجم، بخش ۱؛ «مادح خورشید مداح خود است / که دو چشم روشن و نامرمد است»

(۴) سوره‌ی اعراف، بخشی از آیه‌ی ۱۴۳؛ «... هرگز مرا نخواهی دید. ...»

(۵) کسانی که اسلام و جاهلیت را درک کرده بودند اما با پیامبر ملاقات نکردند.

(۶) از جمله سوره‌ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۲۳؛ «... پس سوره‌ای مانند آن بیاورید. ...»

(۷) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۸

(۸) آقای صادق آهنگران

(۹) از جمله بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت (۱۳۸۴/۵/۵)

(۱۰) صائب تبریزی. دیوان اشعار، غزلیات؛ از غزلی با مطلع «عمری است حلقه‌ی در میخانه‌ایم ما / در حلقه‌ی تصرف پیمانه‌ایم ما»

(۱۱) جامی. هفت اورنگ، سبحة‌الابرار، بخش ۱۹

(۱۲) از جمله بیانات در دیدار جمعی از بسیجیان سراسر کشور (۱۴۰۱/۹/۵)

(۱۳) فصیحی هروی. دیوان اشعار، غزلیات؛ از غزلی با مطلع «ای گل نه همین معرکه‌ی من به تو گرم است / هنگامه‌ی صد سوخته‌خرمن به تو گرم است»

(۱۴) در جواب شعار بانوان حاضر در جلسه که میگفتند: «هدیه‌ی روز زنم / دعای خیر رهبرم»